



نقش روی دیوار

ویرجینیا وولف / فرشته آذربایجان

وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱) را مبتکر شیوه تازه‌ای در کار داستان‌نویسی نوین می‌دانند و بخصوص در ادبیات انگلیسی به خاطر شکستن سنت‌های متداول داستان‌نویسی مقامی والا دارد. هنگامی که ۲۴ ساله بود نخستین کتابش انتشار یافت. داستان‌های او که با نثری سنگین و اسلوبی خاص نوشته شده‌اند بیشتر نشان‌دهنده احساسات دقیق و حالات ذهنی و ظریف، شخصیت‌های آثار اویند. وی نویسنده رمان‌های تجربی است که سعی در تشریح واقعیت‌های درون انسان را دارد. این بانوی نویسنده انگلیسی، آثار برجسته‌ای چون به سوی فانوس دریایی، خانم دالووی، اتاقی از آن خود، سفر به بیرون، شب و روز، اورلندر، امواج، خیزاب‌ها، فلاش، سال‌ها، بین دو پرده نمایش و... به رشته تحریر درآورده است. حادثه در داستان‌های او ساده و کم‌فراز و نشیب است. بدعت‌هایش در داستان‌نویسی، زاینده دید غریب او به جامعه و زندگی بود. اعتقاد داشت که داستان عکاسی خرده‌گیرانه و انتقادی از زشتی‌های زندگی نیست بلکه خلق دوباره تجربه‌هاست.

قصه‌های کوتاه این نویسنده نیز از اهمیت و ارزش بسیار برخوردارند و ناقد ادبی امروز اگر بخواهد آثار وولف را مورد نقد و بررسی قرار دهد، نمی‌تواند از کنار قصه‌های کوتاه او بگذرد زیرا این قصه‌ها، نقش اساسی در نبین آرای وولف، سبک ادبی او، شیوه تجربی و دیدگاه‌های اجتماعی و هنری اش بر دوش می‌کشد و شاید بتوان گفت فراتر از همه اینها بازگوکننده آن وجه درونی، پیچیده و مضطرب وولف‌اند در رویارویی با جهانی که هر لحظه به سوی ناهودی خود گام برمی‌دارد. از یاد نبریم که وولف نویسنده‌ای است محصول دو جنگ جهانی. او که جنگ جهانی اول را با تمام وجود تجربه کرده، اینک اروپا را در آستانه جنگی دیگر می‌بیند. می‌داند که مرگ و ویرانی در اروپایی جنگ انداخته که او عاشقانه دوستش دارد. نثر شاعرانه وولف در تضاد و تقابل با این جهان خشن و درنده‌خو قرار می‌گیرد. قصه‌های کوتاه او که از تجربی‌ترین و درونی‌ترین لحظاته‌ش سر برمی‌آورند، آشفنگی و اضطراب او را به بارزترین وجهی به نمایش می‌گذارند. هیچ چیز در متن قصه‌ها به خواننده اجازه نمی‌دهد تا واقعیت را به تخیل «برتری» دهد (یا برعکس) هنر و زندگی به طور مداوم با آنهاجم دیگر واقعیت‌های نهفته همواره جایگزین یکدیگر می‌شوند.

سبک جدایی‌ناپذیر وولف در تجربه‌گرایی جسورانه اوست که با تک‌گویی درونی همراه می‌شود و تلاش‌های او را برای رهایی از چنبره محدودیت‌ها آشکار می‌سازد.

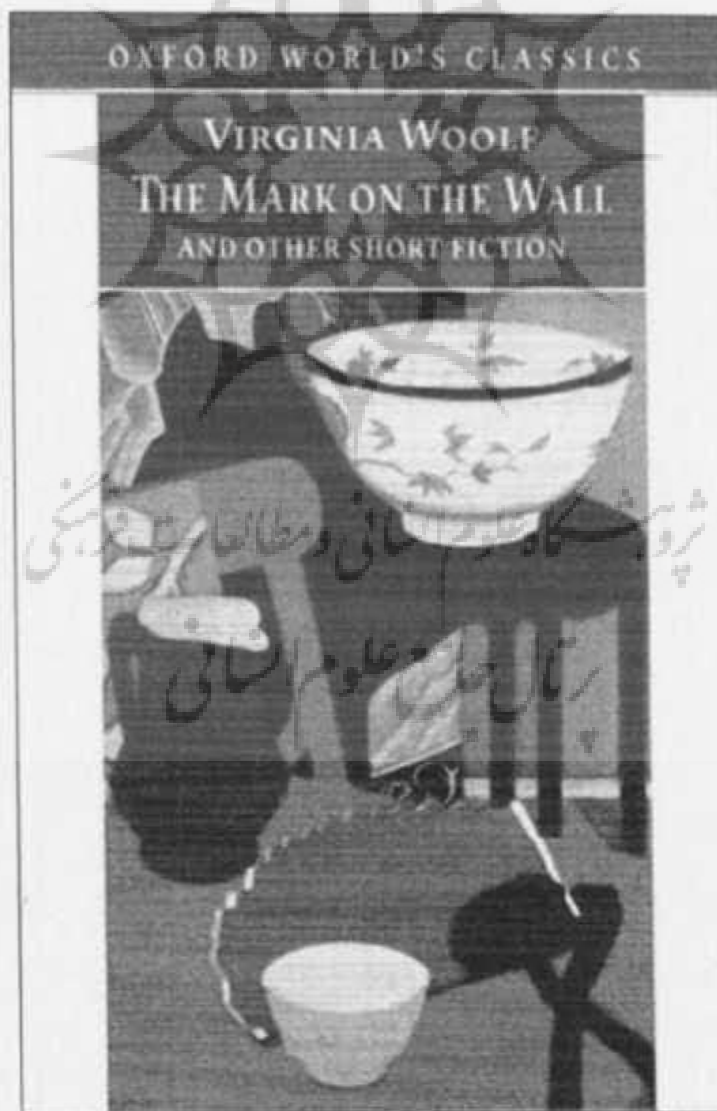
نخستین بار شاید در نیمه‌های ژانویه سال جاری بود که تا سرم را بلند کردم چشمم به نقش روی دیوار افتاد. برای پیدا کردن تاریخ دقیق لازم است انسان به خاطر بیاورد چه دیده است. من اکنون به یاد آتش می‌افتم؛ و پرده یکدست نور زرد روی صفحه کتابم؛ و سه گل داوودی درون جام شیشه‌ای گرد روی طاقچه. آری، لابد زمستان بود و ما تازه چایمان را خورده بودیم، چون به یاد می‌آورم داشتم سیگار می‌کشیدم که سرم را بالا کردم و برای نخستین بار چشمم به نقش روی دیوار افتاد. از پشت دود سیگارم نگاه کردم و چشمم لحظه‌ای به آتش زغال سنگ افتاد و خیال کهنه آن پرچم ارغوانی که بالای برج قلعه تکان می‌خورد به سرم آمد و به یاد رژه شهسواران سرخی افتادم که سواره از کنار تخته سنگ سیاه بالا می‌رفتند.

خوشبختانه با دیدن آن نقش از خیال بیرون آمدم، چون خیال کهنه‌ای است، خیال ناخواسته‌ای است که شاید در بچگی شکل گرفته باشد. نقش گرد کوچکی بود، سیاه روی دیوار سفید، حدود شش هفت اینچ بالاتر از طاقچه. چه راحت افکار ما مثل مور و ملخ دور چیز تازه‌ای جمع می‌شوند و آن را بلند می‌کنند و کمی جلو می‌برند. مثل مورچه‌هایی که بی‌تابانه کاهی را سردست می‌برند و بعد رهایش می‌کنند. اگر آن نقش را یک میخ پدید آورده باشد، نباید برای یک عکس بوده باشد. لابد برای یک

مینیاتور بوده است، مینیاتور بانویی با موهای سفید پودر پاشیده و گونه های پودر زده و لب هایی به سرخی میخک. یک نیرنگ البته، زیرا کسانی که پیش از ما صاحب این خانه بودند این گونه تصویرها را می پسندیدند، تصویری کهنه برای اتاقی کهنه. آنها این طور اشخاصی بودند، اشخاصی بسیار جالب که من زیاد به یادشان می افتم، در جاهایی به این عجیبی، چون آدم دیگر نمی بیندشان و هرگز نمی فهمد بعد چه شد. می خواستند از این خانه بروند چون می خواستند سبک اتاتپه شان را عوض کنند، خودش می گفت؛ و داشت می گفت به گمانش هنر باید. اندیشه ای پشت اش باشد، که از هم جدا شدیم؛ همچنان که انسان هنگامی که قطارش با سرعت از کنار باغ پشت خانه بیلاقی می گذرد، از بانوی پیری که می خواهد چای بریزد و مرد جوانی که می خواهد توپ تنیس را بزند جدا می شود.

اما در مورد آن نقش معطمش نیستم. هیچ باورم نمی شود آن را یک میخ پدید آورده باشد. بزرگتر و گزیده تر از آن است که کار میخ باشد. من توانم بلند شوم؛ اما اگر بلند شدم و نگاهش کردم، ده به یک شرط می بندم نمی توانم به طور قطع بگویم؛ چون وقتی کار از کار گذشت دیگر هیچ کس نمی فهمد چگونه اتفاق افتاده است. وای! امان از راز زندگی، اشتباه فکر، نادانی بشر! برای آن که نشان دهم دارایی های ما تا چه اندازه بیرون از اختیار ماست - زندگانی ما بعد از پشت سر گذاشتن آن همه تمدن تا چه حد تصادفی است - بگذارید فقط تعدادی از چیزهایی را که در طول یک زندگی از دست رفته است بشمارم. اول، چون این همیشه مرموزترین فقدان به نظر می آید - چیزی که گربه گازش می زند و موش می جودش - سه قوطی آبی کمرنگ و سایل صحافی. بعد، قفس های پرنده و تسمه های آهنی و اسکیت های فولادی و زغال دان مدل ملکه «آن» و تخته بازی با کاتل و ارگ هندل دار؛ همه رفتند؛ جواهرات هم. اپال ها و زمردها که اطراف ریشه شغلم پیدا می شوند. چه پیرایشگری آزمودنی است به راستی! جای تعجب است که اصلاً لباسی به تن دارم و در این لحظه میان اثاث محکمی نشسته ام. پس اگر بخواهیم زندگی را با چیزی مقایسه کنیم، باید آن را تشبیه کنیم به پرتاب شدن در تیوب (مترولندن) با سرعت پنجاه مایل در ساعت و فرود آمدن در انتهای دیگر بدون حتی یک سنجاق باقی مانده در موها! پرتاب شدن به پیشگاه خدا سر تا پا برهنه! قل خوردن در گلزار نرگس مثل بسته های کاغذی قهوه ای که در اداره پست از مجرای انتقال بسته ها پایین انداخته می شوند! با موی به پرواز

□ قصه های کوتاه او که از تجربی ترین و درونی ترین لحظاتهش سر برمی آورند، آشفتگی و اضطراب او را به بارزترین وجهی به نمایش می گذارند.



درآمده از پشت مانند دم اسبی در مسابقه. آری، همین انگار نمودار شتاب زندگی و اطلاق و مرمت دائم است. همه سردستی، همه بی هدف... اما پس از مرگ، پز مردن تدریجی ساقه های سبز کلفت، چنان که کاسبرگ و ازگون شود و انسان را غرق نور قرمز و ارغوانی سازد. آخر چرا نباید انسان به همانسان آنجا به دنیا بیاید که اینجا به دنیای می آید، در مانده، زبان بسته، ناتوان از متمرکز کردن

نگاه کورمالی کنان پای ریشه علف ها، نای شست پای غول ها؟ گفتن این که درخت کدام است و مرد و زن کدام اند یا اصلاً همچو چیزهایی وجود دارند یا نه، در بضاعت این انسان نیست تا حدود پنجاه سال بعد. فقط فضاهای تاریک و روشنی است با ساقه های کلفتی لابه لایشان و شاید کمی بالاتر لکه های گل رزمانندی از رنگی نامشخص - گلی و آبی مات - که با گذشت زمان مشخص تر می گردد و می شود - چه می دانم...

اما نقش روی دیوار قطعاً سورخ نیست. حتی ممکن است ناشی از جسم سیاه گردی باشد مثل گلبرگ کوچک رزی مانده از تابستان و من هم که خانه دار چندان زرنگی نیستم - کافی است به خاک روی طاقچه نگاه کنید، خاکی که می گویند سه بار تر و آزرش دفن شده و انکار فقط پارچه ظرف هرگز به نابودی تن در نداده است. درخت پشت پنجره آمده به شیشه می زند... می خواهم ساکت و آرام و راحت فکر کنم، بدون مزاحم، بدون اجبار به برخاستن از روی صندلی، تا راحت از این شاخه به آن شاخه بپریم، بدون احساس وجود مخالفت یا مانعی. می خواهم هرچه ژرف تر فرو بروم تا از رویه و حقایق مسلم بی ربط آن دور شوم. برای حفظ تعادل به نخستین اندیشه ای که از سرم می گذرد چنگ می زنم... شکسپیر... خوب، چه نمونه ای بهتر از او. مردی که صبح تا شب روی صندلی دسته داری می نشست و به آتش چشم می دوخت و باران فکرهای تازه از آسمان بسیار بلندی یکسره بر سرش فرو می ریخت. پیشانی اش را به دستش تکیه می داد و کسانی که از در باز اتاق نگاهش می کردند - چون این صحنه قاعدتاً در یک شب تابستان رخ می دهد... اما چه خسته کننده است این، این قصه تاریخی! هیچ چنگی به دل نمی زند. کاش رشته فکر دلچسب تری به مغزم خطور می کرد، رشته ای که غیر مستقیم مایه مباهات من می شد، چون این گونه افکار از همه دلچسب تر است، حتی در سر اشخاص موشی رنگ فروتنی که به راستی می اندیشند خوش نمی دارند از خود ستایش بشنوند. افکاری مستقیماً در ستایش از خود شخص نیستند. زیبایی شان در همین است. افکاری هستند از این دست:

«بعد به اتاق آمد سرگرم گفت و گو درباره گیاه شناسی بودند. گفتم گلی دیده ام که در محوطه خانه ای قدیمی در کینگزوی روی کپه خاکی رویده است. گفتم تخمش را باید در عهد چارلز اول کاشته باشند. در عهد چارلز اول چه گل هایی می رویدند؟» من این را پرسیدم (ولی پاسخ را به خاطر نمی آورم). شاید گل های بلندی با

منگوله‌های ارغوانی، همینطور ادامه پیدا می‌کند. یکسره دارم در ذهنم به تن خودم لباس امتحان می‌کنم، عاشقانه، دزدانه، آشکارا ستایشش نمی‌کنم، وگرنه خود را الو می‌دهم. بی‌درنگ دست به سوی کتابی دراز می‌کنم برای دفاع از خودم. به راستی عجیب است که چگونه انسان به طور غریزی مانع از آن می‌گردد که تصویرش مورد بت پرستی یا هر کار دیگری قرار گیرد که اسباب خنده‌اش کند. یا چندان از اصل دورش سازد که دیگر باور نشود. یا شاید این هیچ عجیب نیست. به هر حال قضیه بسیار مهم است.

فرض کنید آینه بشکند و تصویر ناپدید شود و از جهره شورانگیزی که هاله سبزی به سبزی اعماق جنگل دارد اثری بر جای نماند و از شخص فقط همان پوسته‌ای که دیگران می‌بینند باقی بماند چه دنیای کم عمق بی‌پرده و بی‌پیرایه ملال‌آوری می‌شود! دنیایی که دیگر جای زندگی نیست. وقتی در اتوبوس و مترو به هم نگاه می‌کنیم، داریم در آینه نگاه می‌کنیم. این است علت بی‌روحی و بی‌حالتی

چشم‌هایمان. داستان نویسان در آینده بیشتر به اهمیت این اندیشه‌ها پی می‌برند. چون البته فقط یک اندیشه نیست و تقریباً بی‌نهایت اندیشه است.

همین‌هاست اعماق، که خواهند پویید و همین‌هاست اشباحی که دنبال خواهند کرد. تشریح واقعیت را کم کم از عهده داستان‌هایشان بر خواهند داشت و آگاهی از آن را می‌خواهند گرفت. چنان که یونانیان و شاید شکسپیر می‌گرفتند. ولی این تعمیم‌ها بسیار بی‌ارزش است. بوی نظامی آن پته‌اش را به آب

می‌دهد. سرمقاله‌ها را به یاد می‌آورد؛ و هیئت دولت را، و در واقع مجموعه کاملی از چیزهایی را که انسان در کودکی گمان می‌کند خود خودش است، خود معیار است، خود واقعیت است، که انحراف از آن ممکن نیست مگر با قبول خطر هولناک تکفیر شدن. تعمیم‌ها یکشنبه‌های لندن را به خاطر می‌آورند، پیاده‌روی‌های عصرهای یکشنبه راه ناهارهای یکشنبه را، حتی شیوه سخن گفتن از مرده‌ها و جامه‌ها و عادت‌ها را - مثل عادت دور هم نشستن - در اتاقی تا یک ساعت معین که هیچ‌کس دوستش نداشت. هر چیزی قاعده‌ای داشت.

قاعده رومیزی‌ها در آن دوره خاص این بود که از پارچه گلدار باشند و خانه‌های زرد کوچکی داشته

□ داستان‌های او که بانتری سنگین و اسلوبی خاص نوشته شده‌اند بیشتر نشان‌دهنده احساسات دقیق و حالات ذهنی و ظریف، شخصیت‌های آثار اویند. وی نویسنده‌رمان‌های تجربی است که سعی در تشریح واقعیت‌های درون انسان را دارد.



باشند مانند آنچه در عکس‌های فرش‌های سرسراه‌های کاخ‌های شاهان ممکن است ببینید. رومیزی اگر جور دیگری بود رومیزی واقعی نبود. چه تکان‌دهنده اما چه داغ‌چسب بود کشف آن که این چیزهای واقعی، ناهار یکشنبه‌ها، پیاده‌روی یکشنبه‌ها، خانه‌هایی بی‌لاقی و رومیزی‌ها چندان واقعی هم نبودند و فقط شبه‌اشباحی بودند و تکفیری هم که عاید بی‌اعتقادان به آنها می‌شد فقط احساس آزادی نامشروع بود. نمی‌دانم اکنون جای آن چیزها، آن چیزهای معیار واقعی، را چه می‌گیرد؟ لابد مرد، چنانچه شما زن باشید، دیدگاه مردانه‌ای که بر زندگانی ما حکمفرماست و معیارها را تعیین می‌کند و «جدول حق تقدم» و تکرار منتشر می‌کند

و به گمان من از بعد از جنگ برای زنان و مردان بسیاری شبه‌شبحی شده است و می‌توان امیدوار بود که به زودی رهسپار زباله‌دانی گردد که مقصد اشباح و میزهای ماهونی و باسمه‌های لندسیر (نقاش انگلیسی) و خدایان و شیاطین و دوزخ و غیره است و ما را با احساس نشسته‌آور آزادی نامشروع تنها بگذارد. اگر اصلاً آزادی در کار باشد...

در بعضی نورها نقش روی دیوار به نظر برجسته می‌آید. کاملاً گردهم نیست. مطمئن نیستم اما انگار سایه محسوسی دارد. چنان که اگر انگشتم را روی آن قسمت از دیوار بکشم در نقطه‌ای، از تپه کوچکی بالا می‌رود و پایین می‌آید، تپه صافی مانند آن یشته‌های خاک در «ساوث داؤنز» که می‌گویند یا قبرند یا محل اردوگاه. از این دو باید ترجیح دهم قبر باشند تا مانند بیشتر انگلیسی‌ها دوستدار افسردگی گردهم و در پایان یک پیاده‌روی، طبیعی بشمارم که به استخوان‌های زیر خاک بیندیشم... باید کتابی درباره آن باشد. عتیقه‌شناسی باید آن استخوان‌ها را بیرون آورده باشد و نامگذاری کرده باشد... از خودم می‌پرسم عتیقه‌شناس

چگونه انسانی است؟ گمان می‌کنم غالباً سرهنگ بازنشسته‌ای است که گروهی کارگر سالخورده را خود به اینجا می‌آورد و سنگ و کلوخ را زیر و رو می‌کند و بارو حائیان محل تماس می‌گیرد، که چون سر صبحانه نزدشان می‌رود احساس بزرگی می‌کنند. مقایسه نوک پیکان‌ها ضرورت سفرهای گسترده به شهرستان‌ها را پدید می‌آورد، ضرورتی دلپذیر برای او و نیز همسر پیرش که می‌خواهد مربای آلو درست کند یا اتاق مطالعه را نظافت کند. و دلیل کافی دارد که آن سؤال بزرگ قبر

یا اردوگاه را همواره زنده نگه دارد، در حالی که خود سرهنگ نیز از گردآوری مدرک برای هر دو سوی سؤال احساس آرامش می‌کند. البته سرانجام به سوی اعتقاد به اردوگاه گرایش می‌یابد و چون با مخالفت روبه‌رو می‌گردد جزوه‌ای می‌نگارد و آماده خواندنش در گردهمایی فصلی انجمن محلی می‌گردد، که ناگهان سکتی‌ای از پا می‌اندازدش. واپسین افکار آگاهانه او نیز نه درباره زن و بچه بلکه در زمینه اردوگاه و آن نوک پیکان است که اکنون در جعبه‌ای در موزه محلی است. همراه با پای یک زن قاتل چینی و مشت‌ناشن از عهد الیزابت و تعداد زیادی چپ‌گلی روزگار تودور و سفالینه‌ای رومی و گیلانی که نلسون در آن

شراب نوشیده بوده است - که به راستی من نمی دانم چه چیزی را ثابت می کند.

نه. نه. نه چیزی ثابت می شود، نه چیزی فهیده می شود. حتی اگر همین اکنون من برخیزم و معلوم کنم که نقش روی دیوار در واقع - چه بگویم؟ - سر یک میخ بزرگ کهنه است که دوست سال پیش کوبیده شده و اکنون، پس از سایش صبورانه خدمتکاران نسل های بسیار، سر از زیر روکش رنگ بیرون آورده و در اتاقی بادبوارهای سفید و روشنایی آتش، نخستین نگاهش را به زندگی امروزین انداخته است، چه عاید می گردد؟ دانش؟ دستمایه برای تفکر بیشتر، من، هم نشسته می توانم فکر کنم هم ایستاده. دانش چیست؟ کیستند دانشمندان ما، جز بازماندگان جادوگران و درویشانی که در غارها و بیشه ها می خزیدند و جوشانده های گیاهی می ساختند و از موش ها بازجویی می کردند و زبان ستاره ها را می نوشتند؟

هر چه کمتر بر اینان ارج نهیم، همچنان که خرافاتمان کاهش می یابد و احتراممان به زیبایی و سلامت عقل فزونی می گیرد... آری، دنیای دلچسب تری امکان وجود می یابد؛ به دنیای آرام تر و سرشارتری با گل های کاملاً قرمز و آبی در دشت های بیکران؛ دنیایی بدون استاد و کارشناس و زنان خدمتکاری شبیه مردان پاسبان؛ دنیایی که در آن انسان با اندیشه اش به همان آسانی می پرد که ماهی با باله اش آب را می شکافد و به ساقه نیلوفرهای آبی تنه می زند و بر فراز آشیانه توتیای سفید معلق می ماند...

این زیر چه آرام است، ریشه کرده، در مرکز دنیا و چشم دوخته از زیر آب خاکستری، با درخشش های ناگهانی و بازتاب هایش - اگر سالنامه ویتکر نبود، اگر «جدول حق تقدم» نبود! باید بالا ببرم و به چشم خود ببینم آن نقش روی دیوار به راستی چیست - میخ، گلبرگ رز، ترک خوردگی چوب؟ اینجا باز طبیعت سرگرم بازی قدیم حفظ خویش است. می بیند این رشته فکر، خطر اتلاف نیرو دارد، حتی خطر تصادم با واقعیت، زیرا کیست که بتواند ذره ای معترض «جدول حق تقدم» ویتکر شود؟ سر اسقف کتربوری را رئیس مجلس اعیان دنبال می کند و رئیس مجلس اعیان را سر اسقف یورک. هر کس از کسی دنباله روی می کند و فلسفه ویتکر همین است. مهم این است که بدانیم کی به دنبال کی است.

ویتکر می داند؛ و طبیعت توصیه می کند بگذارید این آرامتان کند، به جای آن که خشمگیتان سازد. اگر نمی توانید آرام بگیرید، اگر این ساعت آرامش را باید به هم بزنید، به نقش روی دیوار بیندیشید.

□ سبک جدایی ناپذیر و ولف در تجربه گرایی جسورانه اوست که با تک‌گویی درونی همراه می‌شود و تلاش‌های او را برای رهایی از جنبه محدودیت‌ها آشکار می‌سازد.



من بازی طبیعت را می فهمم. تحریک می کند برای جلوگیری از هر اندیشه ای که خطر ایجاد هیجان یا درد دارد دست به عمل بزنید. گمان می کنم از این روش... که اندکی به دیده تحقیر به مردان عمل می نگریم، مردانی که می پنداریم نمی اندیشند. اما باز بی زیان است نقطه پایانی برای رشته افکار ناپسندمان بگذاریم و به نقش روی دیوار بنگریم. راستش اکنون که به آن چشم دوخته ام احساس می کنم تحنه ای در دریا پیدا کرده ام. احساس واقعیت قانع کننده ای پیدا می کنم که بی درنگ رئیس مجلس اعیان و دو سر اسقف را مبدل به سایه هایی در جهان مردگان می سازد. این دیگر قطعی است، این دیگر واقعی است.

بنابراین انسان، پس از بیدار شدن از خواب ترسناک نیمه شب، شتابان چراغ را روشن می کند و بی حرکت دراز می کشد و می پردازد به پرستش فقه، پرستش مادیت، پرستش واقعیت، پرستش دنیای نامشخصی که دلیل موجودیتی بیرون از وجود ماست. از این است که انسان می خواهد مطمئن شود... چوب برای اندیشیدن موضوع خوبی است. از درخت به دست می آید و درخت می روید و ما نمی دانیم چگونه می روید. سال ها و سال ها می روید، بی توجه به ما، در چمن و جنگل و

کنار رودخانه - همه، چیزهایی که انسان دوست دارد بدانها بیندیشد. در بعد از ظهرهای داغ، گاوها زیر آن دم تکان می دهند. چنان رنگ سبزی به آب رودخانه ها می زند که چون مرغ آبی در آن شیرجه می رود انسان انتظار دارد با پرهای سبز از آب بیرون بیاید. دوست دارم به ماهیانی بیندیشم که در برابر جریان آب نهر مانند پرچم های شکم داده در باد سینه سپر می کنند؛ و به آبدزدک هایی که کم کم گنبدی از گل در بستر رودخانه می سازند. دوست دارم به خود درخت بیندیشم:

نخست به احساس خشکی و فشردگی چوب بودن؛ سپس فرساینده طوفان؛ آنگاه جریان کند و لذت بخش شیره گیاه در آوندها. دوست دارم در شب های زمستان نیز بدان بیندیشم، ایستاده در دشت خالی با برگ های بسته، سی هیچ عضو حساسی در برابر گلوله های آهنین ماه، همچون دکلی برهنه بر روی زمینی که در تمام طول شب می چرخد و می چرخد. آواز پرندگان در ژوئن (در آغاز تابستان) باید به نظر بلند و ناآشنا برسد. پای حشرات باید روی آن بیخ کند، هنگامی که باز حست از چین های پوستش بالا می روند. یا روی سایبان نازک سبز برگ ها آفتاب می گیرند و با چشمان قرمز تابناکشان به پیش روی خود چشم می دوزند...

الیاف یک به یک زیر فشار سرد گراف زمین پاره می شوند. آنگاه طوفان و اسپین درمی گیرد و بالاترین شاخه ها می افتند و باز در عمق زمین فرو می روند. با این همه، زندگی هنوز به پایان نرسیده است و درخت هنوز یک میلیون جان بردبار و هشیار دارد، در سرتاسر گیتی، در اتاق های خواب، در کشتی ها، در پیاده روها، در اتاق های ناهار خوری که مرد و زن بعد از چای دور هم می نشینند و سیگار می کشند. پر از افکار دوستانه و فکرهای خوش این درخت. دوست داشتم جداگانه به تک تکشان بپردازم. اما چیزی مانع است... کجا بودم؟ صحبت از چه بود؟ درخت؟ رودخانه؟ داؤنر؟ سالنامه ویتکر؟ گلزار نرگس؟ چیزی به خاطر نمی آورم.

همه چیز دارد می جنید، می لغزد، ناپدید می شود... ماده منقلب است. کسی بالای سرم ایستاده می گوید: «می روم بیرون روزنامه ای بخرم.» «خوب؟» «گرچه روزنامه خریدن بی فایده است... هیچ وقت هیچ اتفاقی نمی افتد. نفرین به این جنگ. خدا لعنت کند این جنگ را!... راستی، نمی دانم آن حلزون، روی دیوار چه می کند.» ها، نقش روی دیوار! یک حلزون بود.



نهبه و تنظیم: مریم آزادی

* مأخذشناسی توصیفی عناصر داستانی ایرانی



حسین حداد،
تهران، سوره مهر،
۱۳۸۷، ۴۱۱ ص،
۲۵۰۰ نسخه.

کتاب: «مأخذشناسی توصیفی عناصر داستان ایرانی» سومین اثر منتشر شده از مرحوم حسین حداد است که بعد از «راز سر به مهر» و «بررسی عناصر داستان ایرانی» در سال ۸۸ و توسط سوره مهر منتشر شده است.

در این اثر که یک کار گروهی و تحقیقی است شناسه های کتابشناسی با تقسیم ادبیات به سه بخش متون کهن، ادبیات دینی به معنای تاریخی و ادبیات عامیانه توصیف شده اند. با این هدف که محققان ادبیات داستانی قبل از هرگونه تحقیقی مطلع باشند چه منابعی در مورد موضوع تحقیق آنها وجود دارد. در معرفی کتاب ها در این مأخذشناسی هر جا که احساس شده فصول یک کتاب از جهت استقلال مطلب از جامعیت کامل برخوردار بوده، فصل های کتاب جداگانه تلخیص و در کتاب شناسی آمده است.

شناسه های ردیف ۱ الی ۵۲۶ به ادبیات داستانی متون کهن، شناسه های ۵۲۷ الی ۷۴۹ به ادبیات دینی و شناسه های ۷۵۰ الی ۷۸۲ به ادبیات عامیانه اختصاص یافته است.

کلیات



* فهرست اسناد موقوفات ایران



محمدجواد
عرفان فر، یزد،
عرشیان، ۱۳۸۷،
دفتر ۵، ۲ ج،
۳۰۰۰ نسخه.

اسناد و مدارک موقوفات از معتبرترین و اصیل ترین منابع تحقیقی برای تاریخ اجتماعی و سیاسی کشور به شمار می رود. بر همین اساس پنجمین دفتر از مجموعه «فهرست اسناد موقوفات ایران» به قریب یک هزار و سیصد و سی و هفت فقره وقف نامه و مدارک وقف مربوط به شهرستان یزد و حومه از دیرباز تا امروز اختصاص یافته است.

این اسناد امروز در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان یزد نگهداری می شوند و حدود ۲۳ فقره از آنها مربوط به پیش از دوره قاجار، ۶۰۰ فقره مربوط به دوره قاجار، ۳۱۵ فقره مربوط به دوره پهلوی و حدود ۳۶۹ فقره هم مربوط به سی ساله دوره حکومت جمهوری اسلامی است که با ذکر جزئیات اعم از این که شخص یا اشخاصی خود برای تنظیم سند اقدام کرده اند یا این که سند به وصی یا وکیل سپرده شده است. یک شخص چند وقف نامه و حبس نامه دارد، مواردی که نام اوقاف شخص نیست و یا حبس یا وقف گروهی صورت گرفته و... کاملاً مشخص و تبیین شده است.

خاتمیت را در پرتو کلمات حکیمانه اهل بیت عصمت و طهارت به کرسی می نشاند و در اشراق چهارم به معجزه های علمی و عملی حضرت ختمی مرتبت پرداخته می شود. اشراق پنجم به این مطلب اختصاص یافته که حضرت خاتم الانبیاء (ص) مختار و منتخب خدای یکتا از کل ماسوا است، در اشراق ششم و در تشریح کلام محی الدین عربی، مراتب نفس، عقل، علم، کشف، وحی، عشق، ایمان، یقین، فتح، قرب و توحید و مراتب انبیاء به صورت مختصر توضیح داده شده است. اشراق هفتم نیز به بیان اسرار مبعث اختصاص دارد.

رساله دوم این مجموعه به موضوع مهم «صلوات» اختصاص دارد و آن نیز بیشتر بر برهان های عقلی، شواهد قرآنی، قاعده های عرفانی و احادیث و اخبار نورانی اهل بیت (ع) متکی است.

* تفسیر

موضوعی: چستی، بنان ها و پیش فرض ها



سیده هدایت
جلیلی، قم،
بوستان، کتاب،
۱۳۸۷، ۲۲۸ ص،
۲۰۰۰ نسخه.

تفسیر موضوعی، به معنای فراهم آوردن آیات هم مضمون و دسته بندی مجموع آن آیات و بحث و بررسی آنهاست که این کتاب این روش تفسیری را از جنبه های مختلفی در یک مدخل و سه بخش معرفی کرده است.

در مدخل، ضمن ۹ بحث، مقدمات لازم برای بحث و فحص اساسی از تفسیر موضوعی بررسی شده است، در فصل اول از خاستگاه اجتماعی و فرهنگی تفسیر موضوعی سخن رفته و زمینه هایی که موجب این گونه نگرش به قرآن کریم گردیده، شمرده شده است.

در فصل دوم از پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی بحث شده و فصل سوم عهده دار تبیین جایگاه تفسیر موضوعی است. در فصل چهارم نگاه برخی از نویسندگان به تفسیر موضوعی مطرح شده و در فصل پنجم از ارتباط تفسیر تریبی و موضوعی سخن رفته است. در فصل ششم به ضرورت تفسیر موضوعی توجه شده است و فصل هفتم دلایل معارضان تفسیر موضوعی را به دایره نقد کشیده است و اینکه دامنه «موضوع» در تفسیر موضوعی تا کجاست و چگونه تفسیرهایی را تفسیر موضوعی می نامیم، مباحث فصول بعدی این کتاب است. پس از این مقدمات مؤلف به عرصه بدنه اصلی

دین

* اثبات



خاتمیت
محمد رضا
ربانی، قم، بوستان
کتاب، ۱۳۸۷،
۲۱۲ ص،
۱۵۰۰ نسخه.

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا ربانی (۱۲۹۸ - ۱۳۸۱) در این کتاب به طرح مسأله خاتمیت پیامبر اکرم و اثبات آن طی دو رساله با عناوین: جلوه ربانی در اثبات خاتمیت و صلوات ربانی از نظر قرآن، برهان و عرفان، پرداخته است. اثبات خاتمیت در هفت اشراق به انجام رسیده است. در اشراق اول از طریق برهان عقلی و قاعده های عرفانی، حکمی و کلامی به تبیین اثبات خاتمیت پرداخته شده. اشراق دوم مترصد اثبات خاتمیت به آیات قرآنی که متضمن اشارات و لطایف عقلی و معرفتی است، اشراق سوم، اثبات

کتاب می پردازد و آن را در ذیل سه عنوان «توصیف»، «تبیین» و «توصیه» بررسی می کند.



*** گزیده ای از دیدگاههای شهید بهشتی**

حسن اردشیری
لاجیمی، قم،
بوستان کتاب،
۱۳۸۷، ۲۲۸ می.

شهید دکتر بهشتی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۰) از پهره های است که اندیشه و منطق و شیوه مدیریت و زهد و پارسایی او، الگوی تمام عیاری را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد. از این رو آشنایی با جنبه های مختلف شخصیتی و فکری او ضرورت می یابد و مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما در راستای آشنایی مخاطبان با اندیشه های این شهید در صدد برآمد تا گوشه ای از دیدگاههای کلامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی او را با اقتباس از نوشته هایش در چهار بخش به صاحبان اندیشه ارائه کند.

بخش اول تحت عنوان فلسفه به مسائلی چون: معرفت شناسی، مابعدالطبیعه، خداشناسی، اسما و صفات خدا در قرآن و انسان شناسی می پردازد. در بخش دوم سیاست و مدیریت در دو فصل بررسی شده است و بخش سوم مقوله های مبانی عقیدتی اقتصاد، مالکیت در اسلام، معاملات اسلامی، بانک داری، مالیات و بیمه های اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد.

بخش چهارم به ارزش های اسلامی چون: ارزش های فرهنگی و سیاسی، اختصاص یافته است.

*** امانت چیست؟ خیانت کدام است؟**



رضا
وطن دوست،
مشهد، دانشگاه
علوم اسلامی
رضوی، ۱۳۸۷،
۷۲ ص، ۲۰۰۰
نسخه

کتاب «امانت چیست؟ خیانت کدام است؟»، در جهت تقویت روحیه امانتداری و گسترش این خصلت زیبا و پسندیده در جامعه، راهکارهایی را از قرآن و احادیث، ارائه کرده است. این پژوهش که از آیات و روایات الهام گرفته، بر آن است تا با بهره مندی از آموزه های قرآنی و حدیثی

و با ذکر نمونه های عینی و عملی از سیره پیشوایان، به موضوع امانتداری پردازد.

نگارنده پس از بحثی کوتاه درباره مفهوم شناسی و بیان گستره امانتداری، به منظور نهادینه شدن این خصلت در جامعه، به تبیین عوامل، زمینه ها و آثار امانتداری پرداخته و در ادامه به بررسی عوامل و پیامدهای امانت شکنی، کمر بسته است.

ادبیات



*** ساده تر از صدا**

شاعران جوان
هرمزگان، تهران،
سوره مهر،
۱۳۸۷، ۸۰ ص،
۲۲۰۰ نسخه.

«ساده تر از صدا» مجموعه ای از اشعار شاعران جوان هرمزگانی است که در قالب های مختلف سروده شده و نگاهی تازه به مسائل و معضلات روز دارد.

این کتاب که اشعار ۲۲ شاعر هرمزگانی را در خود جای داده گامی در جهت معرفی شاعران جوان استان هرمزگان محسوب می شود که به کوشش حوزه هنری این استان تهیه شده است و به هدف کشف و حمایت از استعداد های ادبی جوان کمک می کند.

«بمباران طبیعت» یا موضوع زلزله بم، «اینجا دهکده جهانی است»، «ساعت»، «عاشقانه های برای دریا»، «آلبوم»، «ردکابوس» و «من بندر عباسم» عنوان برخی از اشعار این کتاب با مضامین روز است. زهر اذاکری در قطعه شعر «ساعت» با موضوع جنگ سروده:

چند عقربه مانده به چروک دستانت
تمام خواب های جهان را می تکانی
با گوشه چنیه ات

برایم پس انداز می کنی
..... رفتی

خدا را به خانه بیاوری
از پشت همه پنجره ها

برایت نان نقاشی می کنم

که تاریخ نقش بسته بر گوشه سنگرت

کبریت را از همان دخترک کبریت فروش گرفتی

ماه را روشن می کنی

ساعت

چند عقربه گذشته از چروک دستانت

به خانه می آوری

خودت را

*** گزارش به خاک هویزه**

قاسم یاحسینی،
تهران، سوره مهر،
۱۳۸۸، ۳۱۲ ص،
۲۵۰۰ نسخه.



کتاب «گزارش به خاک هویزه» بر اساس خاطرات سردار یوسف شریفی، بیسجی و هم رزم شهید حسین علم الهدی در شش ماه اول جنگ، تولید شده است. سردار شریفی که معاون شهید حسین علم الهدی در روزهای اول جنگ بود در این کتاب، آنگاه های بسیاری را از شهید علم الهدی درباره فعالیت ها و چگونگی شهادتش در هویزه روایت می کند. سید قاسم یاحسینی در اشاره ای که بر این اثر نوشته، آورده است، «در صفحه های این کتاب سایه بلند مردانی را می بینی که همه دشت آزادگان را مثل کف دستشان بلندند. حسن بو عذار یاحسین قطب نما یکی از صدها مردی است که دشت ها و جاده های جنوب صدای نفس او را به یادگار در دل خود نگه داشته اند. نمی دانم خاطرات این همه مرد را چه کسانی خواهند نوشت و حتی خاطرات سال های بعد یونس را. من در این کتاب پایه پای خاطرات اول جنگ او آمدم و نمی دانستم یونس یک پا ندارد.»

عکس ها و اسنادی از روزهای حضور سردار یونس در جبهه های دفاع مقدس ضمیمه این اثر است.

*** آوازه های نخوانده**

ساسان ناطق،
تهران، سوره مهر،
۱۳۸۷، ۱۶۸ ص،
۲۵۰۰ نسخه.



«آوازه های نخوانده» عنوانی است که ساسان ناطق، برای کتاب خاطرات شهید محمود امین پور انتخاب کرده است. این کتاب شامل خاطرات دوران جوانی، انقلاب و حضور در عملیات های نظامی محمود امین پور در دوران دفاع مقدس و بعد از آن اسارت وی است. این خاطرات در هشت فصل سامان یافته و هر یک از فصل ها به گونه ای تنظیم شده که مستقل از دیگر فصل ها است. البته خاطرات کتاب در کل به هم پیوسته است و به صورت یک خاطره واحد درمی آید.

نحوه تنظیم خاطرات به گونه ای است که شکل داستانی به خود گرفته است و در واقع خواننده احساس می کند چیزی بین داستان و خاطره

می خواند، به عبارتی این اثر یک نوع «داستان-خاطره» است.

نویسنده در مقدمه کتاب تأسف خود را از این که محمود امین پور بعد از بیان خاطرات و قبل از چاپ کتاب به دلیل عوارض ناشی از جنگ به شهادت می رسد، ابراز داشته و می آورد: وی در آبان ماه سال ۱۳۸۶ در کنار هم‌زمان شهیدش آرام گرفت. من هم زمان فعل ها را تغییر ندادم و گذاشتم بماند. که محمود امین پور هست.



* تاریخ روشن

سعید غیابیان،
تهران، موزه عبرت
ایران، ۱۳۸۷،
۲۰۸ ص، ۲۵۰۰
نسخه.

«تاریک روشن» کاری است از موزه عبرت ایران به همت سیدسعید غیابیان که به مرور و تبیین خاطرات مبارزان و جان برکفان میهن اسلامی پرداخته است که در سال های سیاه رژیم پهلوی در قربانگاههای دژخیم، مورد سخت ترین و غیرانسانی ترین شکنجه ها قرار می گرفتند.

این کتاب به مرور خاطرات سه نفر از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب اسلامی به نام های حجت الاسلام هادی غفاری، علی دانش پژوه و محمد مهرآیین به همراه عکس ها و اسناد مربوط به هر یک از آنان، پرداخته است. این خاطرات در بخش های مختلف و با عناوین متعدد به ذکر شرایط و وقایعی می پردازد که در کمینه ضدخرابکاری و دیگر زندان های رژیم شاه صورت می گرفته است و صحنه های غیرقابل تصویری را از شقاوت و بی رحمی ماموران ساواک و مقاومت و پایداری مبارزان در قالب خاطره تبیین می کند.

سیاست

* جریان شناسی انقلاب اسلامی

سعید علایی،
تهران، مرکز اسناد
انقلاب اسلامی،
۱۳۸۷، ۴۳۲ ص،
۲۰۰۰ نسخه.



کتاب «جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی» با تاکید بر این که شعر به عنوان یکی از اصلی ترین مآثر هنری و ادبی هر فرهنگ، مهم ترین بستر ظهور و بروز مطالبات یک قوم و ابزار شناسایی و هویت بخش به فرهنگ آن است، به نقش انقلاب

اسلامی و تاثیر آن در عمیق ترین لایه های فرهنگی جامعه اشاره دارد و تبیین می کند که شعر فارسی-ایرانی چگونه با انقلابی شگرف در محتوا و متن مواجه شد که هم میراث گرانقدر شعر اصیل و متعهد فارس رازنده کرد و هم دغدغه های افق نگاه شاعران ایرانی را در مضامین دینی و اجتماعی و سیاسی تحقیق نمود.

این اثر در تلاش است که با جست و جوی دوسویه در مضامین و نیز قالب های شعری بخصوص غزل سه دهه اخیر، تصویری جامع و مبسوط از شعر انقلاب اسلامی ارائه دهد.



* تبار ترور

محمدصادق
کوشکی، تهران،
مرکز اسناد انقلاب
اسلامی، ۱۳۷۸،
۲۸۰ ص، ۲۰۰۰
نسخه.

«تبار ترور» گامی است در مسیر اثبات پژوهشگرانه و مستند گوشه هایی از فعالیت های تروریستی سازمان مجاهدین خلق در گستره جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران براساس اسناد درون سازمانی در دو بخش.

بخش نخست حاوی فصول اول تا چهارم تحقیق است که به تاریخچه سازمان در مقطع قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا مقطع ورود به فاز مسلحانه می پردازد و بخش دوم به بررسی عملکرد تروریستی سازمان و توانایی های آن اختصاص یافته است. از آنجا که شناخت تاریخی سازمان مقدمه ای است بر سایر ابعاد شناخت (شناخت جامعه شناسانه، روان شناسانه، مدیریت نیروها و...) لذا بررسی پیشینه سازمان و خصوصاً پرداختن به ابعاد و جنبه های ناگفته سازمان وجهه همت نویسنده قرار گرفته است.

* صهیونیسم مسیحی

استیون آر.
سایزر، ترجمه
حمید بخشنده، ...،
قم، کتاب طه،
۱۳۸۶، ۴۹۴ ص،
۳۰۰۰ نسخه



کتاب صهیونیسم مسیحی، به بررسی ریشه های تاریخی، شالوده های الهیاتی و پیامدهای سیاسی صهیونیسم مسیحی می پردازد که در پنج فصل

تبیین شده است.

فصل اول، به اموری مانند تعریف صهیونیسم و صهیونیسم مسیحی و اهمیت جنبش صهیونیسم مسیحی می پردازد. در فصل دوم علاوه بر معرفی سازمان های مهم صهیونیسم مسیحی و چهره های ذی نفوذ آن، ریشه های تاریخی جنبش صهیونیسم مسیحی از اوایل قرن نوزدهم تبیین می شود. و در خلال آن خاستگاه های بازگشت گرایی مبتنی بر پیشاهزاره گرایی عهدمدار، خاستگاه صهیونیسم مسیحی تدبیرگرا و نقش افرادی چون لرد شافتسبرتی و لرد بالفور در تحقق رویای صهیونیست ها را به طور مبسوط مورد بحث قرار می دهد.

در فصل سوم، اصول و شالوده های الهیاتی صهیونیسم مسیحی مورد بحث و ارزیابی قرار می گیرد و در فصل چهارم، پیامدهای سیاسی محورهای فصل پیش به تفصیل بیان می شود.

فصل پنجم انواع صهیونیسم مسیحی و نقطه نظرات متفاوت آن را مشخص کرده، جنبه های ویرانگر و سازنده آن را بیان می کند و پس از آن به ارزیابی نقادانه صهیونیسم مسیحی می پردازد.

* تبعیض و

ناشکیبایی علیه
مسلمانان در اتحادیه
اروپا بعد از ۱۱
سپتامبر



آن سوفی نیمان،
علی مرشدی زاده،
تهران، پژوهشگاه
فرهنگ هنر و
ارتباطات، ۱۳۸۸،
۲۷۹ ص، ۱۰۰۰
نسخه.

این کتاب گزارش فدراسیون بین المللی حقوق بشر هلسنکی درباره تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر است که به منظور افزایش آگاهی در مورد ناشکیبایی و برخوردهای تبعیض آمیز علیه مسلمانان در یازده کشور عضو اتحادیه اروپا (اتریش، بلژیک، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، اسپانیا، سوئد و انگلستان) و آشکار سازی محدودیت های اعمال شده علیه آزادی های مذهبی مسلمانان در مناطق سکونتشان منتشر شده و توسط گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشگده ارتباطات میان فرهنگی و بین الملل پژوهشگاه ترجمه و از سوی انتشارات پژوهشگاه به چاپ رسیده است.

این گزارش که در سال ۲۰۰۵ ارائه شده است، نشان می‌دهد که در فضای تبلیغاتی به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر، علیه اسلام و مسلمانان، تنها مسلمانان رادیکال هدف قرار نمی‌گیرند، بلکه تمامیت اسلام و همه مسلمانان هدف حمله اسلام‌هراسی قرار دارند.

علوم اجتماعی

* مهارت‌ها و آداب دوستی



سید محمود
مردیان حسینی،
مشهد، دانشگاه
علوم اسلامی
رضوی، ۱۳۸۸،
۴۸ ص، ۲۰۰۰
نسخه.

دوستی و مهرورزی یکی دیگر از سرفصل‌های طرح فرهنگ روابط اجتماعی از سوی گروه پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی است که تلاش نموده تا ضرورت، آثار و مرزهای دوستی و حقوق متقابل داستان را بر مبنای آموزه‌های دینی و با قلمی روان بیان کند و آداب و مهارت‌های دوستی اسلامی را به تصویر بکشد.

از نظر قرآن مومنان با یکدیگر برادرند. یعنی نسبت به همدیگر مسوول و دلسوز و صمیمی هستند و حتی پیامبران الهی نیز برادر مردم دانسته شده‌اند. این بالاترین نماد دوستی در جامعه دینی است و کارکردهای بسیار مهمی در فرایند جامعه‌سازی دارد. این اثر تلاشی است برای نمایاندن ساحت‌های متنوع و کاربردی فرهنگ دوستی بر اساس بنیادهای اسلامی.

* مدیریت منابع انسانی در

سازمان‌های ورزشی



مسعود نادریان
جهرمی، اصفهان،
پیام علوی، ۱۳۸۸،
۲۹۹ ص، ۱۰۰۰
نسخه

هر سازمانی برای عملکرد موثر و ارائه خدمات مطلوب به منابع مختلفی نیاز دارد. این منابع عمدتاً شامل سرمایه، تاسیسات و تجهیزات و منابع انسانی است. در بین این عوامل، منابع انسانی اهمیت ویژه‌ای دارند و مرکزیت و محور بحث‌های مختلف این کتاب تمرکز بر مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی است. بر همین اساس در چهار

بخش عوامل مثبت و منفی تاثیرگذار بر این مقوله را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

عناوین بخش اول عبارتند از: خدمات و منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی، داوطلبان و فرهنگ داوطلب‌گرایی در سازمان‌های ورزشی، متخصصان و متخصص‌گرایی و مشتریان و ورزشکاران به عنوان منابع انسانی. در بخش دوم تفاوت‌های فردی در منابع انسانی مورد بررسی قرار گرفت. بخش سوم به تبیین مهارت‌های علمی در مدیریت منابع انسانی می‌پردازد و آخرین بخش پیامدهای نگرشی چون رضایت شغلی و تعهد سازمانی منابع انسانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

* مبانی

گردشگری
روستایی



محسن
اردستانی، تهران،
چاپ و انتشارات
ارشاد، ۱۳۸۷،
۳۶۰ ص،
۱۰۰۰ نسخه.

گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن امروزه بزرگترین بخش صنعت و صادرات جهانی را شامل می‌شود.

در دهه‌های آخر قرن بیستم بسیاری از برنامه‌ریزان اجتماعی، اقتصادی در کشورهای اروپایی، گردشگری روستایی را به عنوان راهکاری مطمئن با دورنمای بسیار خوب برای توسعه روستاها بویژه محروم‌ترین آنها قلمداد کردند. چرا که بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها به ویژه حفظ محیط زیست طبعی با چشم‌اندازهای بدیع و تخصص‌های همگون را تضمین می‌نماید.

این کتاب در صدد است نشان دهد که گردشگری می‌تواند به سرعت در اقتصاد روستایان همان ابعادی را پیدا کند که کشاورزی دارد، گردشگری روستایی نه تنها تهدیدکننده معیشت کشاورزی نبوده بلکه ترویج آن می‌تواند حافظ محیط روستا باشد. جایی که مسوا از سادگی است با حیوانات، گیاهان، باغات، کپر‌ها، لنج‌ها، مهمان‌نوازی‌ها، همدلی‌ها، بی‌ریایی‌ها، صمیمیت‌ها و همه خوبی‌ها و زیبایی‌های نکته‌ها و از یاد رفته‌اش که میراثی عظیم از تمدنی تاریخی و فرهنگی غنی از ارزش‌هاست و شایسته حفظ و مراقبت است و می‌توان آنها را عاملی مهم در جذب گردشگران روستایی دانست.

نشریات

* ثریا

شماره دوم،
بهار ۱۳۸۸



ثریا فصلنامه‌ای تخصصی در زمینه ادبیات و اسطوره در کشور است به صاحب امتیازی و مدیریت مسوولی منیر عسگر نژاد.

این نشریه با گستره توزیع در سراسر کشور به شکل تخصصی به موضوع ادبیات، اسطوره و مردم‌شناسی می‌پردازد و در فهرست هدف از انتشار آن را سوق دادن مخاطبان عام به سوی پژوهش و مطالعاتی هدفمند ذکر کرده است.

در شماره دوم این نشریه می‌خوانید: سبک‌های هندی در شعر فارسی، سهراب و اقبال نسل امروز، برای مساله توسل به پیامبر (ص) و اولیای دین، اساطیر و افسانه‌های ایرانی، درآمدی بر میترائیسم و... معرفی و نقد کتاب، داستان و شعر.

* ۱۵ خرداد

دوره سوم، سال
پنجم، شماره ۱۹،
بهار ۱۳۸۸.



پانزده خرداد فصلنامه‌ای تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر است که نوزدهمین شماره از سال پنجم انتشارش در بهار ۸۸ منتشر شد. در این شماره می‌خوانید: روزنه‌های امید در فضای ناامیدی زن ایرانی در فرهنگ منحنی رژیم پهلوی، هجرت سلمان رشدی و ادامه استراتژی اسلام‌ستیزی در غرب، توطئه انحلال مجلس خبرگان توسط غرب‌گرایان، تاملاتی نظری و تاریخی در علل و انگیزه‌های پیدایش جریان آقای منتظری، پروژه هشتاد چه فکر می‌کردند؟ چه شد؟!، استان گلستان، از ۱۵ خرداد تا تبعید امام و...

کتاب‌های رسیده

- هدیه: داستان‌هایی از زندگی علما/ مجید محبوبی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۰، ۶۸ ص، ۳۰۰۰ نسخه.

- می‌دانی چقدر دوست دارم؟/ سام مک برتنی، مترجم: سیده خلیلی، تصویرگر: آنتیا جرام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشر زلال، ۱۳۸۶، ۲۸ ص، مصور، ۱۵۰۰ نسخه.